



گستره احتکار از نظر فقهای امامیه

پدیدآورنده (ها) : مصلح، مجتبی

فقه و اصول :: نشریه فقیهانه :: تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۱۵

صفحات : از ۱۵۶ تا ۱۶۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1728251>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- بررسی احتکار در فقه و قوانین موضوعه
- بررسی تطبیقی روایات احتکار در مذاهب اسلامی
- قیاس مقاومت؛ به مثابه ی روش نقد (روی آوردی تاریخی)
- حقوق والدین
- مسئولیت فرزندان در مقابل والدین(۲)
- اثر معاملات اضطراری ناشی از اکراه در فقه امامیه و حقوق ایران
- بررسی عناصر حماسی در غزل‌های سیمین بهبهانی
- عوامل بینشی گرایش به مال حرام از دیدگاه اسلام
- تحلیل و نقد فقهی - حقوقی ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی
- (احتکار)؛ آسیب‌ها و راه کارهای مقابله با آن از منظر فقه و حقوق
- ماهیت بیع معاطات در بستر عرف به مثابه حق شهروندی
- انتخابات، حق یا تکلیف؟

عناوین مشابه

- عوض و معوض دین در بیع از نظر فقهای شیعه امامیه
- ولایت حاکم شرع بر تزویج و طلاق سفیه و مجنون از نظر امامیه و اهل سنت
- ماهیت قاعده اقاله از دیدگاه قانون مدنی در پرتو نظریات فقهای امامیه و اهل سنت
- شروط حکم محاربه و فرق آن با افساد فی الارض از منظر فقهای امامیه
- بررسی فقهی موضوع شناسی حرز در سرقت از دیدگاه فقهای امامیه
- عقد تورق برای تأمین نقدینگی از منظر فقهای امامیه
- ماهیت شرط بنایی از نظر فقه امامیه و حقوق مدنی
- اسقاط جنین از دیدگاه فقهای عامه و امامیه
- مالکیت معدن از منظر فقهای امامیه با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی(س)
- مفهوم عدالت از نظر فقهای مذاهب خمس و نقد و بررسی آن

گستره موضوع احتکار از نظر فقهای امامیه

مجتبی مصلح*

چکیده

یکی از روش‌های کسب درآمد که امروزه رواج بسیاری دارد و اسلام آن را منع نموده احتکار است. احتکار در لغت عبارت از حبس و نگهداری طعام به امید و انتظار گرانی نرخ است. اما در اصطلاح فقها این معنا گاهی تعمیم و گاهی ضیق داده می‌شود. با توجه به اینکه احتکار موضوع حکم شرعی است و مشهور فقها فی الجمله حکم به حرمت آن داده‌اند ضروری است که نظرات فقهای امامیه در خصوص موارد احتکار بررسی شود. پس از فحص، پنج قول در خصوص موضوع احتکار یافت می‌شود. مشهور امامیه موارد احتکار را پنج طعام: گندم، جو، خرما، کشمش و روغن می‌دانند که در روایات به آن اشاره شده و فقها بر آن اتفاق دارند. قول دوم و سوم در خصوص الحاق روغن زیتون و نمک به این موارد است. گروه چهارم هم از تعلیل روایت استفاده کرده‌اند و همه مواد غذایی را جزء موارد احتکار می‌دانند. گروه پنجم که اکثر مراجع معاصر هستند احتکار را به همه نیازهای عمومی جامعه تعمیم داده‌اند.

کلیدواژه‌ها

احتکار، مصادیق احتکار، موضوع احتکار، گستره احتکار، موارد احتکار.

* دانش پژوه پایه نهم، سال ۹۸-۱۳۹۷.

با مشاهده وضعیت اقتصادی نامطلوب کشور و تورم کم‌سابقه، یکی از چالش‌های مهم امروزه، مسئله احتکار است. احتکار در لغت به معنای حبس و نگهداری طعام به امید افزایش قیمت آن است. حال با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، عده‌ای سودجو به واسطه احتکار، به دنبال مال‌اندوزی و کسب ثروت هستند. از آنجایی که مشهور فقهای امامیه، حکم به حرمت احتکار داده‌اند، بحث در مورد نظرات ایشان در خصوص احتکار از اهمیت دوچندانی برخوردار است. در این نوشتار با بررسی اقوال فقهاء به این سؤال پاسخ داده‌ایم که آیا احتکاری که فقهاء از آن سخن می‌گویند، به همان معنای لغوی آن می‌باشد یا بین معنای لغوی و اصطلاحی و حدود و ثغور آن تفاوت است؟ با فحص در میان سخنان مشهور فقهای امامیه و همچنین بررسی فتاوی مراجع معاصر، سعی شده است که نظرات ایشان به نحو جامع جمع‌آوری شود و به خوانندگان و پژوهشگران ارائه شود.

احتکار در لغت

واژه احتکار از مصدر «حَكَرَ» به معنای ظلم، سوء معاشرت،^۱ و عُسر،^۲ مشتق گردیده است. ابن اثیر در نهاییه می‌نویسد: «من احتكر طعاماً، فهو كذا»، منظور کسی است که طعامی را بخرد و آن را نگه دارد تا در بازار کم شود و قیمت آن گران گردد، و «حَكَرَ» و «حَكَرَةٌ»، اسم مصدر از احتکار است.

«حَكَرَ»، به معنای جمع کردن و امساک است و «حَكَرَ»، آب قلیل جمع شده است و همچنین به طعام و شیر اندک نیز می‌گویند.^۳ در صحاح آمده است: احتکار جمع نمودن طعام به انتظار گرانی قیمت است.^۴

۱. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۶۵.

۲. زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، ص ۱۳۶.

۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۴۱۷.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۶۳۵.

همچنین در لسان العرب آمده است: «الحکر»، اندوختن طعام به انتظار گرانی است و عامل این کار را مُحْتَكِر می‌نامند. ابن سیده می‌گوید: احتکار جمع کردن و نگه داشتن طعام و مانند آن از ماکولات است به انتظار اینکه وقت گرانی آنها برسد.^۱

احتکار در اصطلاح

فقه‌های امامیه، در تعریف آن اختلاف دارند و هر یک به نحوی، عبارت‌پردازی کرده‌اند: شهید ثانی در مسالك^۲ و شیخ انصاری در مکاسب^۳ مسئله احتکار طعام را مطرح نموده‌اند و گفته‌اند: «احتکار الطعام هو جمع الطعام و حبسه یتربص به الغلاء؛ یعنی احتکار طعام، جمع‌آوری و انبار نمودن آذوقه به منظور افزایش قیمت است». شبیه به همین تعریف را نیز شهید اول در دروس^۴ و شهید ثانی در روضة^۵ ارائه کرده‌اند.

شیخ طوسی و شیخ مفید نیز معتقدند: احتکار، نگه داشتن آذوقه در زمانی است که مردم به آن محتاجند و در تنگنا قرار دارند؛^۶ البته شیخ طوسی عبارت: «و لا يوجد في البلد غیره» را نیز به تعریف احتکار اضافه می‌کند.^۷

علامه حلی در تعریف آن، قید «اشترأ» را به تعریف اضافه می‌کند و می‌فرماید: احتکار آن است که اشخاص ثروتمند، طعام را در وقت گرانی بخرند و به دیگر مردم واگذار نکنند و آن طعام را نگه دارند تا در زمان شدت حاجت آن را به قیمت بالاتر بفروشند.^۸ با وجود شباهت میان معنای لغوی و اصطلاحی احتکار، دو تفاوت میان این دو معنا وجود دارد:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۰۸.

۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۱۹۱.

۳. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المكاسب (للشیخ الأنصاری، ط - القديمة)، ج ۲، ص ۲۹۴.

۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، ج ۳، ص ۱۸۰.

۵. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة في شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۳، ص ۲۹۸.

۶. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة (للشیخ المفید)، ص ۶۱۶.

۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۳۷۴.

۸. حلی، حسن بن یوسف، نهاية الإحكام في معرفة الأحكام، ج ۲، ص ۵۱۳.

الف) طبق معنای لغوی، احتکار به ذخیره کردن هر گونه طعام گفته می‌شود؛ در حالی که در اصطلاح فقهی بنا بر قول برخی فقهاء، رابطه بین معنای لغوی و اصطلاحی تساوی می‌باشد، یعنی در معنای اصطلاحی نیز به ذخیره کردن هر طعامی احتکار می‌گویند. برخی از فقهاء معنای اصطلاحی احتکار را اخص از معنای لغوی می‌دانند، یعنی صدق احتکار را فقط در موارد خاصی از اطعمه می‌دانند و برخی دیگر از فقهاء معنای اصطلاحی را اعم از معنای لغوی می‌دانند، به این معنا که احتکار را حبس و نگهداری همه نیازهای عمومی جامعه می‌دانند.

ب) بنابر نظر اکثر فقهاء شرط تحقق احتکار در اصطلاح فقهی، نیاز مردم به آن کالا است؛ ولی در معنای لغوی این قید وجود ندارد.

حکم احتکار از نظر فقهای امامیه

قبل از بیان اقوال فقهاء در گستره و موارد احتکار لازم است که نظر ایشان در خصوص حکم فقهی این مسئله بیان شود تا ضرورت بحث از موارد احتکار مشخص شود. بحث در خصوص این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که با نگاه به نظر فقهاء مشخص می‌شود که اکثریت ایشان، بلکه قول مشهور فقهاء حکم به حرمت احتکار است. صاحب مفتاح الکرامه فرموده‌اند:

و قد حکم المصنّف (علامه) بأنّه حرام وفاقاً للمقنّع و الفقیه، فی ظاهره و الهدایة، للصدوق علی ما نسب إليها و الاستبصار و السرائر و التحریر و التذکرة و الدروس و جامع المقاصد و المسالك و الروضة و هو قویّ کما فی التنقیح و المیسبة و هو المنقول عن القاضي و الحلبي فی أحد قولیه و المنتهی.^۱

۱. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة (ط - الحدیثه)، ج ۱۲، ص ۳۵۲.

از فقهاء و مراجع معاصر، آیات عظام: امام خمینی،^۱ خویی،^۲ سیستانی،^۳ سید محسن طباطبایی حکیم،^۴ تبریزی،^۵ خامنه‌ای،^۶ وحید خراسانی،^۷ صافی گلپایگانی،^۸ سید محمدرضا موسوی گلپایگانی،^۹ و برخی دیگر... همه فی الجملة قائل به حرمت احتکار هستند. در مقابل برخی از فقها فی الجملة حکم به کراهت احتکار کرده‌اند. شیخ مفید،^{۱۰} شیخ طوسی،^{۱۱} محقق حلی،^{۱۲} و صاحب جواهر از قائلین این نظر می‌باشند. گستره احتکار در خصوص اینکه احتکار شامل چه مواردی می‌شود، اقوال مختلفی بین فقهای امامیه مطرح است که به طور کلی می‌توان نظرات ایشان را به پنج قسم تقسیم کرد:

۱. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع (للإمام الخميني)، ج ۳، ص ۶۰۱.
۲. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج ۵، ص ۴۹۴؛ منهاج الصالحين (للخوئي)؛ ج ۲، ص ۱۳.
۳. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحين (للسیستانی)، ج ۲، ص ۲۱.
۴. منهاج الصالحين (المحشى للحکيم)، ج ۲، ص ۱۹.
۵. تبریزی، جواد بن علی، إرشاد الطالب إلى التعليق على المکاسب، ج ۳، ص ۲۷۵؛ منهاج الصالحين (للتبريزي)؛ ج ۲، ص ۱۷.
۶. خامنه‌ای، سید علی، اجوبة الاستفتاءات، ص ۴۲۶.
۷. خراسانی، حسین وحید، منهاج الصالحين (للوحد)، ج ۳، ص ۱۹.
۸. گلپایگانی، لطف الله صافی، جامع الأحکام (صافی)، ج ۲، ص ۱۲۱.
۹. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، هداية العباد (للگلپایگانی)، ج ۱، ص ۳۴۷.
۱۰. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقننة (للشیخ المفید)، ص ۶۱۶.
۱۱. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۲، ص ۱۹۵.
۱۲. شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ج ۲، ص ۱۵.

نخست: پنج مورد

طبق این قول، موارد احتکار شامل گندم، جو، خرما، کشمش و روغن است و غیر از این اجناس را شامل نمی‌شود. شیخ طوسی در نه‌ایه^۱، ابن ادریس حلی^۲، و محقق حلی^۳، این قول را برگزیده‌اند و حتی شیخ یوسف بحرانی و صاحب جواهر هم این قول را نظر مشهور امامیه عنوان کرده‌اند.^۴

مستند ایشان روایت غیاث از امام صادق علیه السلام است که ایشان می‌فرمایند: «لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْجَنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمْنِ»^۵؛ احتکار فقط در پنج مورد محقق می‌شود: گندم، جو، خرما، کشمش و روغن. همچنین روایت ابی‌البختری از امام صادق علیه السلام که به نقل از پدرشان می‌فرمایند: «أَنَّ عَلِيًّا علیه السلام كَانَ يَنْهَى عَنِ الْحُكْرَةِ فِي الْأَمْصَارِ فَقَالَ لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْجَنْطَةِ وَ ...»^۶.

دوم: شش مورد

طبق این قول احتکار در شش مورد محقق می‌شود، یعنی علاوه بر پنج مورد قبلی، قائلین به این قول یک مورد دیگر به آن اضافه می‌کنند. البته در مورد ششم آن که چه طعامی است؛ اختلاف است.

برخی مانند شیخ صدوق در «المقنع» می‌فرماید: احتکار در شش مورد محقق می‌شود: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن و روغن زیتون (زیت).^۷ اما شیخ طوسی در مبسوط^۸، قطب راوندی^۹،

۱. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *النه‌ایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، ص ۳۷۴.

۲. حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، ج ۲، ص ۲۳۸.

۳. *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*؛ ج ۲، ص ۱۵.

۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، ج ۱۸، ص ۶۲؛

جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۲۲، ص ۴۸۱.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، ج ۱۷، ص ۴۲۵.

۶. همان، ص ۴۲۶.

۷. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، *المقنع (للشیخ الصدوق)*، ص ۳۷۲.

۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، ج ۲، ص ۱۹۵.

۹. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله، *فقه القرآن (لراوندی)*، ج ۲، ص ۵۲.

علامه حلی،^۱ و فاضل مقداد،^۲ ششمین از موارد احتکار را نمک (ملح) عنوان می‌کنند و روغن زیتون را جزء موارد احتکار نمی‌دانند. فقیهانی که روغن زیتون را از موارد احتکار شمرده‌اند به روایت سکونی،^۳ و روایتی که شیخ صدوق به سند خود از غیاث بن ابراهیم نقل نموده؛^۴ و همچنین مفهوم صحیحه حلی،^۵ استناد کرده‌اند.

سوم: هفت مورد

برخی از فقها موضوع احتکار را هفت مورد می‌دانند، یعنی علاوه بر آن پنج مورد که فقهاء بر آن متفق هستند، روغن زیتون و نمک را نیز جزء موارد احتکار شمرده‌اند. شهیدین،^۶ و محقق ثانی،^۸ این نظر را برگزیده‌اند. البته همانطور که در کتب فقهی نیز به آن اشاره شده، شمردن نمک به عنوان یکی از موارد احتکار، مستند روایی ندارد؛^۹ و شاید تنها وجهی که برای چرایی

۱. حلی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء* (ط - الحدیثه)؛ ج ۱۲، ص ۱۶۶؛ قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام؛ ج ۲، ص ۱۱؛ نهاية الأحكام في معرفة الأحكام؛ ج ۲، ص ۵۱۴.
۲. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، *کنز العرفان في فقه القرآن*؛ ج ۲، ص ۴۳.
۳. «...عن السُّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: الْخُكْرَةُ فِي سِتَّةِ أَشْيَاءَ فِي الْجَنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْتِ وَ السَّمْنِ وَ الزَّيْبِ». (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۲۶)
۴. «وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع لَيْسَ الْخُكْرَةُ إِلَّا فِي الْجَنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ السَّمْنِ وَ الزَّيْتِ». حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، ج ۱۷، ص ۴۲۵.
۵. «عن عبيد الله بن علي الحلبي قال: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ الزَّيْتِ؛ فَقَالَ إِذَا كَانَ عِنْدَ غَيْرِكَ فَلَا بَأْسَ بِإِمْسَاكِهِ». (حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، ج ۱۷، ص ۴۲۸).
۶. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعية في فقه الإمامية*، ج ۳، ص ۱۸۰؛ *اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية*؛ ص ۱۱۰.
۷. *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*؛ ج ۳، ص ۱۹۲ و *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية* (المحشى - كلاتر)؛ ج ۳، ص ۲۹۹.
۸. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، ج ۴، ص ۴۰.
۹. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، ج ۲۲، ص ۴۸۲.

آن بتوان گفت، تعلیل روایت حلبی از امام صادق علیه السلام^۱ است که ایشان زمانی حکم به حرمت احتکار داده‌اند که آن طعامی که حبس شده در میان مردم کم باشد و به آن نیاز داشته باشند.^۲ در نتیجه نمک از باب شدت نیاز مردم به آن و به عسر و حرج افتادن ایشان و در صورت کمبود آن، جزء موارد احتکار شمرده شده است، البته می‌توان اشکال کرد که به استناد این تعلیل، پس همه مواد غذایی که حبس آن موجب عسر و حرج مردم شود، از مصادیق احتکار شمرده می‌شود و مختص به نمک نیست.

همه مواد غذایی مورد نیاز

مراد فقها از طعام (مواد غذایی)، خوراکی است که اکثر مردم معمولاً از آن تغذیه می‌کنند و قوت غالب هر مکان با مکانی دیگر ممکن است متفاوت باشد.

سید ابوالحسن اصفهانی،^۳ از معاصرین آیت الله بهجت،^۴ این قول را بعید ندانسته و مانند برنج و ذرت را نیز در صورتی که مورد نیاز مردم باشد، جزء موارد احتکار می‌شمرد. شاید بتوان گفت دلیل این سخن همان تعلیلی است که به سبب آن قائلین قول سوم، نمک را نیز جزء موارد احتکار شمرده‌اند و اشکال شد که در این صورت باید تمام مواد غذایی مورد نیاز مردم را شامل شود. در واقع این قول، تصحیح و رفع اشکال قول سوم است که بواسطه تعلیل روایت، تنها نمک به موارد احتکار اضافه شده بود.

تمام نیازهای عمومی جامعه

همانطور که در بیان اقوال گذشت، مشهور فقهاء احتکار را منحصر در چند نوع مواد غذایی خاص دانستند و یا حداکثر احتکار را شامل همه مواد غذایی مورد نیاز جامعه می‌دانند؛ ولی برخی از فقهاء موارد احتکار را محدود به مواد غذایی نمی‌دانند؛ زیرا ایشان ملاک و معیار تشریح آن را،

۱. «عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخْتَكِرُ الطَّعَامَ وَ يَتَرَبَّصُ بِهِ هَلْ يَصْلُحُ ۱ ذَلِكَ قَالَ: إِنْ كَانَ الطَّعَامُ كَثِيراً يَسَعُ النَّاسَ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَ إِنْ كَانَ الطَّعَامُ قَلِيلاً لَا يَسَعُ النَّاسَ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ أَنْ يَخْتَكِرَ الطَّعَامَ وَ يَتَرَكَّ النَّاسَ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ». (حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۲۴)
۲. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (للسیخ الأنصاری، ط - القدیمة)، ج ۲، ص ۲۹۷.
۳. وسیلة النجاة (مع حواشی الإمام الخميني)، ص ۳۲۸.
۴. وسیلة النجاة (للبهجة)، ص ۴۲۶.

نجات مردم از تنگناهای اقتصادی به هنگام عسر و حرج می‌دانند. در نتیجه مصادیق جدیدی (با گذشت زمان و تغییر مکان) بر آنچه در روایات ذکر شده اضافه می‌گردد.^۱ صاحب جواهر،^۲ این نظر را به عنوان قولی در مسئله بیان می‌کند. از معاصرین نیز آیات: خوبی،^۳ تبریزی،^۴ صافی گلپایگانی،^۵ و وحید خراسانی،^۶ این قول را پذیرفته‌اند و به آن فتوا داده‌اند و آیت الله سیستانی،^۷ این تعمیم را با احتیاط مستحب بیان کرده‌اند. تعیین و تشخیص اینکه چه کالایی احتکارش جایز نیست، با توجه به احتیاج مردم و مسائل اقتصادی و اجتماعی و عادات هر کشور بر عهده حاکم عادل است.



۱. موسوعة الفقه المقارن (مکارم شیرازی)، ج ۲، ص ۴۱۸.
۲. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۴۸۲.
۳. منهاج الصالحین (للخوئی)، ج ۲، ص ۱۳.
۴. منهاج الصالحین (للتبریزی)، ج ۲، ص ۱۷.
۵. هدایة العباد (لصافی)، ج ۱، ص ۲۹۹.
۶. منهاج الصالحین (للوحد)، ج ۳، ص ۱۹.
۷. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، ج ۲، ص ۲۱.

نتیجه

با کنکاش در کتب اعظم فقهای امامیه و همچنین مراجع معاصر، در مجموع نظرات ایشان را می‌توان در سه نظر بیان کرد. مشهور فقهاء، احتکار را مختص به چند طعام خاص می‌دانند. گندم، جو، خرما، کشمش و روغن از مواردی است که اختلافی در آن نیست و همه فقهاء، این پنج مورد را از موارد احتکار می‌دانند.

اما در خصوص الحاق روغن زیتون و نمک به این موارد، اختلاف است. برخی دیگر از فقهاء موضوع احتکار را همه مواد غذایی مورد نیاز جامعه می‌دانند و ذکر چند مورد خاص در روایات را به جهت شدت نیاز مردم در عصر معصومین علیهم‌السلام به آن اطعمه، می‌دانند. برخی دیگر از فقها به خصوص فقهای معاصر، موضوع احتکار را به همه نیازهای عمومی جامعه تعمیم می‌دهند.

هدف ما در این مقاله بررسی اقوال فقهای امامیه بود، شایسته است محققین و پژوهشگران گرامی نظرات فقهای عامه را نیز بررسی نمایند و با مقایسه بین نظرات فقهای شیعه و اهل سنت و بررسی تفصیلی ادله، به قضاوت بین اقوال بپردازند.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. اصفهانی، سید ابو الحسن، **وسيلة النجاة (مع حواشي الإمام الخميني)**، در یک جلد، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**، ۲۵ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۵. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، **المقنعة (للشيخ المفيد)**، در یک جلد، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۶. تبریزی، جواد بن علی، **إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب**، ۴ جلد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۷. تبریزی، جواد بن علی، **منهاج الصالحين (للتبريزي)**، ۲ جلد، قم: مجمع الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح**، بیروت: چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشيعة**، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حکیم، سید محسن طباطبایی، **منهاج الصالحين (المحشى للحكيم)**، ۲ جلد، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۱. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، **السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى**، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

۱۲. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ۴ جلد، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۱۳. حلی علامه، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۴ق.
۱۴. _____، نهیة الاحکام فی معرفة الأحكام، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۱۵. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان في فقه القرآن، ۲ جلد، قم: انتشارات مرتضوی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی، اجوبة الاستفتائات (ترجمه فارسی)، شرکت چاپ و نشر بین الملل ۱۳۸۸ش.
۱۷. خراسانی، حسین وحید، منهج الصالحین (للوحد)، ۳ جلد، قم: مدرسه امام باقر عليه السلام، چاپ پنجم، ۱۴۲۸ق.
۱۸. خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع (للإمام الخميني)، ۵ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۹. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ۷ جلد.
۲۰. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهج الصالحین (للخوئي)، ۲ جلد، قم: نشر مدينة العلم، ۱۴۱۰ق.
۲۱. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (للشيخ الأنصاري، ط - القديمة)، ۳ جلد، قم: منشورات دار الذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۲. راوندی، قطب الدین، سعید بن عبدالله، فقه القرآن (للاوندی)، ۲ جلد، قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۲۳. زمخسری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۷۹ م.

۲۴. سیستانی، سید علی حسینی، **منهاج الصالحین** (للسیستانی)، ۳ جلد، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، ۳۰ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى**، در یک جلد، لبنان: دار الكتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۲۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **المبسوط في فقه الإمامية**، ۸ جلد، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
۲۸. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، **مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة** (ط - الحديثة)، ۲۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۲۹. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، **الدروس الشرعية في فقه الإمامية**، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۳۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، **اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية**، در یک جلد، لبنان، دار التراث - الدار الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۱. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية** (المحشى - كلاتر)، ۱۰ جلد، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ۱۵ جلد، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۳. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، **جامع المقاصد في شرح القواعد**، ۱۳ جلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۴. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحيط**، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۳۵. گلیایگانی، سید محمد رضا موسوی، **هدایة العباد** (للكلبایگانی)، ۲ جلد، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۶. گلیایگانی، لطف الله صافی، **جامع الأحكام** (صافی)، دو جلد، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
۳۷. گلیایگانی، لطف الله صافی، **هدایة العباد** (لصافی)، در یک جلد، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۳۸. گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، **وسيلة النجاة** (للبهجة)، در یک جلد، قم: انتشارات شفق، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، **موسوعة الفقه المقارن**، قم: دارالنشر الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰ش.
۴۰. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، ۴۳ جلد، لبنان: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.